

## بسمه تعالی

### سوالات مهم فصل 16

تهیه کننده : الهام شکیبافر

**1) پیش فرض های سه روش شناسی اثباتی ، تفسیری و انتقادی را با یکدیگر مقایسه کنید؟ ( سوال امتحان ترم قبل )**

روش شناسی اثباتی : سعی دارد تا روش های علوم طبیعی را در علوم اجتماعی به کارگیرد.

**1- ماهیت واقعیت:** اثبات گرایی، واقعیت را به عنوان چیزی می داند که بتوان آن را به واسطه حواس درک کرد. واقعیت، خارج از شعور و آگاهی انسان قرار دارد و کاملاً عینی و نظام یافته است و به وسیله قوانین طبیعی غیر قابل تغییر اداره می شود.

**2- ماهیت انسان (جامعه):** در مدل اثباتی، انسان براساس علل خارجی رفتار می کند به نحوی که عللیکسان آثارمشابهی براو می گذارد.

**3- ماهیت علم:** اثبات گرایی در تفکیک دانش علمی از غیر علمی به روش های علوم طبیعی به عنوان ابزارهای کسب دانش علمی تاکید می کند. بنابراین آنچه در دانش علمی محوریت دارد استفاده از روش های علمی مبتنی برمشاهده است.

**4- هدف علم :** از نظر اثبات گرایی ، تحقیق علمی ابزاری است برای مطالعه وشناسایی وقایع اجتماعی، به نحوی که از طریق تحقیقات، می توان قوانین علمی عام را کشف ، تبیین وعرضه کرد.

روش شناسی تفسیری:

- 1- **ماهیت واقعیت:** روش شناسی تفسیری معتقد است که دنیای اجتماعی واقعیتی از پیش تعیین شده نیست که محققان صرفاً آن را کشف کنند. بنابراین هویت واقعیت، به تعریفی که مردم به آن می دهند بستگی دارد.
- 2- **ماهیت انسان (جامعه):** اهمیت زیادی به آزادی فرد، تجربه بامعنا و آگاهی او میدهد. این دیدگاه معتقد است که آگاهی، در مقایسه با دیگر عوامل اجتماعی تاثیر بیشتری بر کنش اجتماعی دارد.
- 3- **ماهیت علم:** درک زندگی روزانه مردم عادی است که بر اساس آگاهی عمومی هدایت می گردد.
- 4- **هدف علم:** تحقیقات اجتماعی ارزش ابزاری مستقیم ندارند. هدف تحقیقات درک یا فهم زندگی اجتماعی و کشف معنای اجتماعی است که مردم به زندگی خویش می دهند.

### روش شناسی انتقادی

- 1- **ماهیت واقعیت:** به لایه های متعددی در واقعیت، تاکید می کند که پشت لایه ظاهری، ساخت های عمیق یا مکانیزم های غیر قابل مشاهده، وجود دارد.
- 2- **ماهیت انسان (جامعه):** نگرش انتقادی معتقد است انسانها به واسطه ی شرایط و عوامل اجتماعی محدود می شوند. آنها شرایط موجود را توجیه کرده و عقلانی جلوه می دهند که ثمره آن آگاهی کاذب در جلوگیری از درک صحیح مردم از توانایی های آنهاست.
- 3- **ماهیت علم:** روش شناسی انتقادی شعور عامیانه را نوعی آگاهی کاذب میپندارد که بر ظاهر واقعیت که مصنوعی و فریب دهنده است تکیه می کند.
- 4- **هدف علم:** هدف تحقیقات در رویکرد انتقادی مراجعه به لایه های زیرین واقعیت برای آشکار نمودن روابط واقعی و طرد و رفع موارد کاذب در تحلیل واقعیت می باشد.

## 2) دو پیش فرض زیربنایی چارچوب بارل ومورگان کدامند؟ مفروضات هستی شناسی و معرفت شناسی چگونه از آنها تاثیر می پذیرند؟

براساس این چارچوب که تنها بر دو پیش فرض، **ماهیت جامعه** و **ماهیت علوم اجتماعی** استوار است

**ماهیت علم:** علم ماهیتاً می تواند عینی یا ذهنی باشد. پذیرش این مهم که علم دارای ماهیتی عینی یا ذهنی است، حاوی پیامدهایی پیرامون موضوعات هستی شناسی، معرفت شناسی و روش شناسی نیز می باشد. موضوع مورد بحث در هستی شناسی، سوال این پیرامون این است که آیا جهان ماهیتی مادی و مستقل از ذهن فرد دارد یا اینکه محصول شناخت فرد و حاصل ذهن اوست.

اگر علم را دارای ماهیتی عینی فرض کنیم، آنگاه از منظر معرفت شناسی باید رویکرد خود را معطوف به اثبات گرایی نماییم. پذیرش ذهنی بودن ماهیت علم، جهت گیری معرفت شناسی را به سمت رویکرد های غیر اثبات گرایانه معطوف می سازد، به نحوی که برای کسب شناخت نسبت به پدیده های اجتماعی باید به مطالعات کیفی و موردی رجوع کرد.

**ماهیت جامعه:** ماهیت جامعه براساس یک فرض اساسی، یعنی وجود نظم یا تضاد (نبود نظم) در جامعه معرفی شده است. به بیانی دقیق تر جامعه می تواند ماهیتا دارای تغییرات منظم بوده یا تغییرات در آن شدید و افراطی باشد. با توجه به ماهیت جامعه پارادایم های تحقیق نیز تغییر خواهد کرد.

حسابداری نیز مانند سایر علوم اجتماعی تحقیقات خود را برپایه ی مفروضات مبتنی بر ماهیت علوم اجتماعی و ماهیت جامعه قرار می دهد.

براساس چارچوب بارل و مورگان چهار پارادایم تحت عنوان:

1) کارکردگرایی 2) تفسیرگرایی 3) انسان گرایی افراطی و 4) ساختارگرایی افراطی ارائه شده است.

**3) بر مبنای ماهیت علم و جامعه ، دو رویکرد کارکرد گرایی و تفسیرگرایی چه شباهت ها و تفاوت هایی دارند؟**

**تفاوت :**

رویکرد کارکردگرایی در حسابداری در تلاش است تا نظم موجود در جامعه و نقش حسابداری در این نظم را تشریح کند ( ماهیت جامعه) . کارکردگرایی مستلزم پذیرش ماهیتی عینی برای علم و تکیه بر واقع گرایی و اثبات گرایی در بررسی موضوعات حسابداری است به نحوی که نتایج آن در نهایت به علوم دقیق منتج میشود ( ماهیت علم ).

رویکرد کارکردگرایی منجر به ورود روش های علمی از جمله روش فرضی - قیاسی شده است .

رویکرد تفسیر گرایی در حسابداری بر توضیح نظم اجتماعی از دیدگاه یک ضد اثبات گرا ، آزاد اندیش و اندیشه نگار بنا شده است (ماهیت جامعه) . در حسابداری هدف این است که تجربه ذهنی تهیه کنندگان ، تایید کنندگان و استفاده کنندگان از اطلاعات حسابداری در کشور ( ماهیت علم ).

در این روش برای درک موضوعات حسابداری باید به روش های اندیشه نگاری توجه داشت .

**شباهت :**

نکته ای که باید توج داشت ایت است که بشر به طور پیوسته تجارب خود را براساس برنامه ذهنی خویش طبقه بندی میکند . این برنامه ها ماهیتا ضرورتا اجتماعی و ماهیتی بینا ذهنی دارد. از

طریق این فرایند پیوسته تعامل اجتماعی ، معانی و هنجارها به طور عینی ( بین اذهان مختلف ) به واقعیت تبدیل می شود .

#### **4) تفاوت دیدگاه مبتنی بر ائتلاف چمبرز و دیدگاه زیربنای تئوری نمایندگی درباره اهمیت شرکت را تشریح کنید ؟**

فرض مهم تئوری نمایندگی آن است که شرکت محل تقاطع روابط قراردادی بسیاری است که میان مدیریت ، مالکان ، اعتبار دهندگان و دولت وجود دارد .

دیدگاه مبتنی بر ائتلاف چمبرز ، شرکت را علیرغم شخصیت ساختگی آن به شکلی نگاه می کند که گویی در مقابل مشارکت کنندگان گوناگون نقش پررنگتری را نسبت به تئوری نمایندگی ( جایی که شرکت در حقیقت اصلاً نقشی ندارد ) بازی میکند . بر طبق این دیدگاه سود به عنوان معیاری از عملکرد شرکت و دارایی و بدهی ها به عنوان معیار ارزشمند اقتصادی ، پیامد مهم حسابداری بوده و باید اولویت اصلی نهادهای تدوین کننده استاندارد باشند .

#### **5) اقتصاد اطلاعات چگونه با تئوری نمایندگی پیوند می خورد ؟ ( سوال امتحان ترم قبل )**

اخیراً اقتصاد اطلاعات ، مفروضات تئوری نمایندگی را نیز شامل شده است زیرا تسهیم ریسک بین کارفرما و کارگزار رابطه تنگاتنگی با این موضوع دارد که آیا طرفین اطلاعات کاملی دارند یا اینکه عدم تقارن بین آنها وجود دارد و یکی از طرفین اطلاعات بیشتری نسبت به طرف دیگر دارد. هدف از تحلیل تئوری اطلاعات ، تعیین آن است که انگیزه های مربوط به ترتیبات بهینه قرارداد و تسهیم ریسک تا چه حد به شیوه ای بهینه قابل مذاکره اند.

#### **6) تمایز اصلی حسابداری انتقادی با سایر رویکردهای تحقیقاتی در چیست ؟**

حسابداری انتقادی از یک جنبه عمده از تمامی رویکردهای تحقیقاتی متمایز است . سایر گرایشات تحقیقاتی ، تفکیکی صریح بین محقق و زمینه تحقیق وی قائلند. اما محققان حسابداری انتقادی بر این باورند که در مشاهده و تحقیق پیرامون واقعیت ، آنها ضمن مشاهده و تحقیق خود به شکل گیری آن واقعیت کمک می کنند .

#### **7) مسیر شکل گیری یک پارادایم جدید را شرح دهید ؟**

مرحله اول ، مرحله پیش از پارادایم یا **پیش علم** : نبود پارادایم مورد توافق

مرحله دوم ، **علم متعارف** : اجماع روی یک پارادایم و حل مسائل علمی با آن

مرحله سوم ، **مرحله بحران** : ناهنجاری در پارادایم موجود

مرحله چهارم ، **انقلاب علمی** : پارادایم جدید

مرحله آخر ، **علم متعارف جدید** : حل مسائل جدید علمی با پارادایم جدید

**8) چهار مشخصه هر پارادایم را شرح داده و باتوجه به آنها تحقیقات حسابداری را طبقه بندی کنید**

برای هر پارادایم چهار وجه مشخصه تعریف شده ، که این وجوه مشخصه امکان طبقه بندی و جداسازی تحقیقات حسابداری را فراهم می سازد :

**نمونه تحقیقات (مصدق):** نمونه ای از تلاش های تحقیقاتی که براساس پارادایم مربوطه صورت پذیرفته است

**موضوع اصلی :** اشاره به موضوعی دارد که پارادایم مربوطه بخش اصلی تلاش خود را معطوف به آن داشته است .

**تنوری :** اشاره به تنوری هایی دارد که بنیان پارادایم مزبور برآن بنا شده است .

**روش ها و ابزارها :** اشاره به روش ها و ابزار هایی دارد که به صورت غالب در پارادایم مربوطه توسط محققین استفاده می شود .

انتشار بیانیه **SATTA** کمک شایانی به طبقه بندی تحقیقات حسابداری کرد . این گزارش با طبقه بندی تحقیقات حسابداری در سه حوزه **تحقیقات کلاسیک** ، **رویکرد سودمندی در تصمیم و اقتصاد اطلاعات** ، نظم قابل قبولی به تحقیقات حسابداری بخشید .

**9) با توجه به مفاهیم علم و شبه علم درباره علم بودن حسابداری بحث کنید ؟**

شناخت علمی شناختی است که بر اساس مستندات قابل ارجاع به جهان طبیعی و اجتماعی بوده و براساس شواهد تکرار پذیر حادث شده باشد ، به نحوی که بتوان نتایج آن را مورد آزمون قرار داد . اگر گزاره های حسابداری را مجدداً بازنویسی کنیم ، انگاه امکان آزمون منطقی و تجربی آنها فراهم می شود . به این ترتیب گزاره های نادرست را شناسایی کرد و کنار گذاشت و گامی مثبت در جهت حرکت به سوی علم شدن حسابداری برداشت . در مجموع می توان ادعا کرد حسابداری توان بالقوه تبدیل شدن به یک علم ( البته نه یکی از علوم سخت ) را داراست .

**10) پارادایم را تعریف کرده و انواع پارادایم را نام برده ؟(سوالی که استاد در کلاس به آن اشاره کردند)**

پارادایم به معنای دیدگاه مشترک میان گروهی از محققین جهت پاسخ به سوالات است . انقلاب پارادایمی زمانی شکل میگیرد که انتقادات بر پارادایم موجود افزایش یابد و باعث برکناری پارادایم قدیم و ایجاد پارادایم جدید گردد . شش پارادایم حسابداری :

**پارادایم انسان شناسی - استقرایی :** رویه های عمل حسابداری ، نگرش مدیر نسبت به رویه های موجود

پارادایم سود حقیقی- قیاسی : ساخت تنوری حسابداری بر اساس منطق و استدلال دستوری مثل تعریف یک ساختار ایده آل برای سود حسابداری

پارادایم سودمندی در تصمیم – مدل تصمیم : ارائه اطلاعات سودمند به منظور به کار گیری در مدل های تصمیم

پارادایم سودمندی در تصمیم – تصمیم گیرندگان – رفتار کلی بازار : مشاهده واکنش بازار نسبت به متغیرهای حسابداری مهمترین موضوع مورد بحث این پارادایم است

پارادایم سودمندی در تصمیم – تصمیم گیرندگان – استفاده کنندگان فردی : مشاهده واکنش فرد تصمیم گیرنده در مقابل اطلاعات حسابداری ، مهمترین موضوع

پارادایم اقتصاد اطلاعات : اطلاعات یک کالای اقتصادی است ، تعیین مقدار مورد نیاز اطلاعات یک تصمیم اقتصادی است .

**نکته اول :** سوال (1) مشابه سوال 15 و

سوال (5) مشابه سوال 16

نمونه سوال امتحانی ترم قبل از 16 سوال می باشد

**نکته دوم :** سوال 10 سوالی است که استاد در کلاس به آن اشاره ویژه داشتند

موفق و پیروز باشید